

آفتهای سرگروه : عدم تطابق قول و فعل

گزارش هفتم.

اين جلسه: آفتهای سرگروه : عدم تطابق قول و فعل

به تاريخ: شنبه ۱۰/۳/۹۳ - ويرايش: دانش آموز

آفتهای سرگروه:

□ خودمحوری

□ عدم تطابق قول و فعل

□ تكبر و غرور

□ مرید پروري

□ وابستگی به اعضاي گروه

□ غفلت از برخی اعضا يا مسائل در حلقه و جو

2- (□ عدم تطابق قول و فعل)

حسن: مربى هم يك انسان جاي ز الخطا است، معصوم كه نيست

حسن: مربى باید مراقبت‌بیشتر از دیگران باشه... همین

دانش آموز: جاي ز الخطا نه... ممکن الخطا.

دانش آموز: دوما مربى حالت پیامبر گونه داره... با رفتارش داره به ملت درس میده.

یک مربى برای گروهش الگو هست... دیدها به طرفش هست.

حسن: بله اين درست تر

حسن: بله اما معصوم نيست

عبدالله: لم تقولون مala تفعلون. كبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون. مربى بهترین مثال و نمونه از اسلام و سیعه برای متربی هست برای همین باید خیلی مواطن رفتارهاش باشه. مسلما رفتارها و خلق و

خو و منش برای متریبی مهمه و اونها یادش میمونن. درسها و بحثها فراموش میشن. یه مثال در رابطه با خودمون باز نم: مهربونی و خوش اخلاقی فلان معلممون رو یادمون هست ولی درسا یی رو که داده یادمون نیست

... : ذکر خاطره شخصی مرتبط :

چند هفته پیش بعد نماز که خواستیم حلقه رو شروع کنیم' زنگ زدن بهم که فرماندح ناحیه و مسیول ت آ ناحیه دارن میان بازارصی حلقه شما ..

من حلقه رو شروع کردم' بحث مون هم تفسیر و توضیح سوره ؟؟؟ بود.. چون تا حالا ایشون شخصا نیومده بودن من یه کم حول شدم که چیکار کنم الان تا بیان.. به بچه ها گفتم بچه ها مثل همیشه مودب و خوب باشین و مشارکت و همکاری بحثی و .. جلوی فرماندح که ایشون هم اصن حلقه رو ببینن حال کنن..

یکی از بچه ها درس بزرگ و شکننده ای به من داد...

- آقا مگه نگفتن ما همه کارها مون رو با اخلاص برای رضای خدا انجام میدیم.. حالا چرا میگین این فرماندح که قرار بیاد حتما باید خوش بیاد..

ببینید... .

ساکت و آرام شدم.. و درس خودم رو گرفتم. حتی موقع تشریف فرمایی اون بزرگوارها چون بچه ها قرآن دست مون بود بلند هم نشدیم.. توی حلقه نشیتند و ضمن عذر واهی ازشون بحثم رو ادامه دادم و تمام کردم.. در حالیکه اصن رضا یتشون دیگه برآم مهم نبود.. و طبیعی کار خودمون رو انجام دادیم مثل همیشه...
یاد گرفتم رضا یت خدا همیشه مد نظرم باشه...

عبداللہ : احسنت

حسن : احسنت

علیرضا : آفرین به اون پسر بچه

امیر : بعضی وقتا فکر می کنم یه کوزه خالی ام؛ حالا چی به بقیه بدم؟

علیرضا: منم بعضی وقتا اینطوری میشم.. چرا؟

امير : بَلْ أَلِّي نَسَانٌ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ الْقِيَامَةُ
بلکه انسان خود به وضع خویش بیناست.

دانش آموز : اصن قبول دارین حلقه صالحین یه سیستم تربیتی دو طرفه است؟

امیر : بله

محمد : عدم تطابق قول و فعل از نشانه های نفاق است ولو نفاق خفیف است خیلی از خروجی جلسات و مساجد چرا پا یبندی به ارزشها و...کم است بخاطر این است که سرگروهها دچار این عدم تطابق قول و فعل هستن

محمد : البته این علت تامه نیست عوامل دیگری نیز است

دانش آموز : نه فقط متربيها تربيت ميشن ،
مربي يا سرگروه هم باید ،
مطالعه کنه - تا حرف داشته باشه
تهذیب نفس کنه - تا سلامت حلقه ررو تضمین کنن
خودشو خالص کنه - تا سخن‌گيرا بشه (آن سخن کز دل برآيد لاجرم بر
دل نشيند ..)

مواطب اعمال و رفتار خودش باشه خطا نکنه
احترامات و آداب جمع رو عمل کنه
برای موفقیت ' سلامت و تعالی اعضاى حلقة خودش دعا کنه ...
خلاصه خود رو تربیت کنه. البته اگه واقعا بخواه یک مربی شهدا يی
باشه .. نه یک مربی نما .
و اینکه برکت حلقة هم همینطوری نصیبیش میشه ..

دانش آموز : این اخلاص هم واقعا کار سختیه.. که آدم واقعا پا بر روی نفس خودش بذاره و به خشنودی مردم توجه نداشته و کاملا متوجه توجه و رضایت خدا باشه.

عبدالله : باید تقوی رو رعایت کنه که اگر با تقوا شد
انما يتقبل من المتقین- اعمالش قبول میشه
من يتقل الله يعلمه- خداوند معلمش میش
من يتقل الله يجعل له فرقانا- شناخت حق و باطل رو بهش میده
من يتقل يجعل له مخرجا و يرزقه من حيث لا يحتسب- راه در رو و راه

برون رفت رو بهش میده و از اون جایی که محاسبه نمیکنیم روزی میده. این روزی عام هست و شامل روزی علمی-فرهنگی-هنری و... میشه

امیر : مربی اگر مکروه انجام بده متربی حرام انجام می ده.
جمله سنگینیه:

عبدالله : بله. افرین امیر جان. برای همین بوده که علما و فقهای سابق اعمال عبادیشون رو به دو دسته واجب و حرام تقسیم بندی کرده بودن. مستحبات رو جزو واجبات و مکروهات و مباحات رو جزو حرام می شمردن

حسن : امیر جان خیلی سنگینه جمله ای که نوشتی

امیر : ۰ امام علی علیه السلام :
مَنْ لَمْ يُصْلِحْ نَفْسَهُ لَمْ يُصْلِحْ غَيْرَهُ؛
هر کس خودش را اصلاح نکند، نمی تواند دیگران را اصلاح نماید.
غرض الحكم، ح 8990

امیر : ۰ رسول خدا (ص) : شب معراج که به سوی آسمانها عروج کردم در مسیر خویش بر گروهی برخورد کردم که لبھای ایشان را با قیچی‌های آتشین می‌بریدند و در آتش می‌افکندند از جبرئیل پرسیدم اینها چه افرادی هستند؟ در پاسخ گفت سخن سرآیان و خطیبان امت شما هستند که مردم را به کارهای پسندیده می‌خوانندند و خود غافلاند از آن و حال آنکه ایشان قرآن را تلاوت می‌کردند ولی از گفتارش غافل بودند.

وسائل الشیعه جلد 17 صفحه 318

امیر : ۰ رسول الله ص : « يا اباذر مثل الذى يدع بغير عمل، كمثل الذى يرمى بغير وتر »
ای ابوذر، مثل کسی که مردم را به دین دعوت می کند اما خود اهل عمل نیست، مانند کسی است که تیراندازی می کند بدون اینکه کمانی داشته باشد.

محمد : آسیب شناسی سرگروه / تطابق نداشتن قول و فعل
عوازل؛
کم شدن انگیزه
ارتباط با ناصالح
گرفتن مسئولیت با انگیزه های انحرافی

عواقب اخروی:
دوری از خدا
کا هش محبوبیت
کا هش اثر بخش و تأثیرگذاری
اثر بخش منفی
راهکار ها :

هشدار به تغییر مسئولیت
برگزاری جلسات اخلاق
ارتباط با بزرگان اخلاق
تهذیب نفس
جلسات دعا و توسل
تذکر به خود در هنگام توصیه به دیگران
انجام عمل قبل از بیام
مشارطه، مراقبه، محاسبه